

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان روستایی: مطالعه موردی استان گیلان

مهدی پورطاهری^{۱*}، مینو پوروردی نجات^۲

(تاریخ دریافت ۸۸/۳/۳۱، تاریخ پذیرش ۸۹/۴/۱)

چکیده

نابرابری جنسیتی یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات جامعه است که می‌تواند نظم اجتماعی، توسعه و حتی ثبات سیاسی جامعه را تهدید کند. نابرابری جنسیتی تحت تأثیر عواملی چون موقعیت زندگی افراد و فرهنگ غالب بر آن پدید می‌آید. بحث اصلی محقق در این پژوهش، نابرابری جنسیتی در خانواده‌های مناطق روستایی است. در فرایند توسعه، نقش زنان را به‌عنوان نیمی از نیروی کار فعال نمی‌توان نادیده گرفت. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر احساس نابرابری جنسیتی در روستاهای استان گیلان در سال ۱۳۸۶ انجام شده است. در باب نابرابری جنسیتی نظریه‌های گوناگونی مطرح شده است؛ اما در این پژوهش از نظریه نابرابری جنسیتی به‌ویژه نظریه نابرابری جنسیتی بوم برگ به‌عنوان نظریه اصلی پژوهش، جهت پی بردن به علل احساس نابرابری جنسیتی در زنان روستایی، استفاده شده است. جامعه نمونه این تحقیق شامل تمام زنان ساکن در روستاهای استان گیلان است که به صورت تصادفی - طبقه ای تعداد سیصد نفر از آنان به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. با روش مطالعه اسنادی و

* mehdit@modares.ac.ir

۱. استادیار گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس

۲. کارشناس ارشد مطالعات زنان

نیز روش پیمانی مشاهده شد که بیش از نیمی از زنان روستایی احساس نابرابری جنسیتی دارند.
واژه‌های کلیدی: برابری و نابرابری، نابرابری جنسیتی، درآمد خانواده، تحصیلات پاسخ‌گویان.

مقدمه

از ویژگی‌های دنیای امروز، دگرگونی‌های سریع اجتماعی است. این تحولات در حوزه فکر و فرهنگ صبغه پرشتابی دارد. عصر حاضر، به‌طور عام شاهد مسائل و پرسش‌های بنیادی در باب انسان امروز، ازجمله چیستی زنان و مسائل آنان است. این پرسش‌ها در آغاز به انسان، فارغ از جنسیت او، توجه کرده و سپس به‌طور طبیعی به مسائل زنان معطوف شده است.

از دیرباز، مسائل زنان و کاستی‌ها و بایسته‌های آن جزء مسائل مهم جوامع مختلف ازجمله ایران بوده است. این امر در سال‌های پس از انقلاب صنعتی و تحقق مدرنیته، در همه جوامع از امتیاز و ویژگی بیشتری برخوردار شد. اما در ایران به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، با تعریف صحیح از رسالت زنان در جامعه اسلامی و ایجاد بسترهای لازم برای مشارکت آنان در حکومت، اهمیت و حساسیتی دوچندان یافت. امروزه، نابرابری جنسیتی یکی از مشکلاتی است که در همه جوامع البته با درجات مختلف وجود دارد. اما در همه این جوامع نابرابری جنسیتی مسئله اجتماعی نیست؛ زیرا زمانی یک مشکل در جامعه به مسئله تبدیل می‌شود که شمار زیادی از افراد جامعه را دربرگرفته باشد و این افراد به وجود این مسئله پی برده باشند.

در ایران همواره درباره نابرابری جنسیتی و پیامدهای آن بحث و بررسی شده است؛ اما آیا به‌راستی نابرابری موجود در ایران به مسئله تبدیل شده است؟ شمار زیادی از زنان جامعه بدون پی بردن به نابرابری موجود به زندگی روزمره خود ادامه می‌دهند با این تصور که اوضاع باید این‌گونه باشد؛ اما زمانی این نابرابری به احساس نابرابری تبدیل می‌شود که افراد آن جامعه به خودآگاهی برسند و از حقوق خود به‌عنوان انسان آگاه شوند.

بیان مسئله

برابری دارای معانی زیادی است؛ ازجمله اینکه یعنی هیچ فردی نباید در دسترسی به فرصت‌ها یا حقوق انسانی کمتر از فرد دیگر باشد. ابعاد نابرابری به‌طور گسترده شامل حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، مکانی، نژادی، جنسیتی و... است. اما از انواع نابرابری جنسیتی، می‌توان نابرابری جنسیتی در خانواده، نابرابری جنسیتی در جامعه و نابرابری جنسیتی در کار را نام برد. بحث اصلی محقق در این پژوهش، نابرابری جنسیتی در خانواده‌های مناطق روستایی است. در فرایند توسعه، نقش زنان را به‌عنوان نیمی از نیروی کار فعال نمی‌توان نادیده گرفت. مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی می‌تواند تأثیر مهمی بر فرایند توسعه و اتخاذ سیاست‌های مربوط داشته باشد. با توجه به اینکه زنان روستایی شرکت‌کنندگان فعال در فرایند توسعه هستند، رسیدن به توسعه روستایی بدون شناسایی دقیق مشارکت زنان و نیازهای آنان ممکن نیست. بنابراین، پرداختن به این مسئله از ضرورت‌های توسعه و برنامه‌ریزی روستایی است.

زنان در بسیاری از جوامع در حال توسعه ازجمله ایران سهم چشمگیری در نیروی کار کشاورزی دارند. عمل‌آوری محصول زراعی جهت مصرف خانواده یا فروش، تمیز کردن طویله و دوشیدن دام‌ها، نظافت منزل، صنایع دستی، نگهداری کودکان و... باعث شده است زنان نتوانند از فرصت‌های آموزشی بهره گیرند. علاوه بر این، مواردی از قبیل موقعیت و منزلت پایین زن در خانواده باعث شده است تلاش آنان در فعالیت‌های داخل و خارج خانه اغلب ناچیز شمرده شود و ارزش کار آنان در خانواده به‌خوبی شناخته نشود. عدم دسترسی زنان به فعالیت‌های آموزشی، دستمزد پایین در مقایسه با مردان، دسترسی نداشتن به امکانات و خدمات، و کمبود فضای بهداشتی در محیط روستاها موجب شده است در اکثر روستاهای کشور مشکل بی‌سواد و ناراحتی‌های ناشی از بیماری‌های مختلف گریبان‌گیر درصد بالایی از زنان روستایی شود. زنان روستایی گیلان با مشکلات فراوانی ازجمله بی‌سواد، نداشتن پایگاه اجتماعی، کارهای سنگین منزل و خارج از منزل، کمبود بهداشت و امکانات بهداشتی روبه‌رویند (حسن‌زاده، نمایه ۱۹).

با توجه به آنچه درباره اهمیت نقش زنان روستایی در استان گیلان و نیز تفاوت‌های آن‌ها با مردان گفته شد، تحقیق حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات است:

۱. میزان احساس نابرابری جنسیتی در بین زنان روستایی چقدر است؟
۲. میزان احساس نابرابری جنسیتی در سطوح مختلف تحصیلی پاسخ‌گویان چه میزان است؟
۳. آیا دوری و نزدیکی محل زندگی به شهر در احساس نابرابری جنسیتی زنان تأثیر دارد؟
۴. آیا میزان درآمد ماهیانه خانواده در احساس نابرابری جنسیتی زنان مؤثر است؟
۵. نوع استقرار روستا (دشتی، کوهستانی و کوهپایه‌ای) در احساس نابرابری جنسیتی چقدر مؤثر است؟

فرضیات پژوهش

با توجه به نظریه‌های نابرابری جنسیتی، شاید بتوان ثابت کرد که آیا علل و منشأ نابرابری جنسیتی در وضعیت بیولوژیکی زن و مرد است یا نه؟ چون انسان از بدو تولد در محیط اجتماعی قرار می‌گیرد و تحت تأثیر فرایندهای تربیتی، جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌های اجتماعی شخصیت او شکل می‌گیرد، جدا کردن افراد از این فرایند و بررسی تأثیر وضعیت بیولوژیکی آنان در نابرابری جنسیتی امکان‌پذیر نیست. اما بررسی اینکه کدام یک از شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و چه مرحله‌ای از دوران زندگی افراد در شکل‌گیری و تقویت نابرابری جنسیتی اهمیت بیشتری دارند، امکان‌پذیر است و می‌توان با انجام تحقیقات فراوان به این سؤال پاسخ داد. در تحقیق حاضر نیز سعی شده است نابرابری جنسیتی در روستاهای گیلان در قالب فرضیات زیر بررسی شود:

۱. بیش از نیمی از زنان روستایی استان گیلان احساس نابرابری جنسیتی دارند.
۲. بین سطح تحصیلات زنان و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معناداری وجود دارد.

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

۳. بین دوری یا نزدیکی محل زندگی به شهر و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معناداری وجود دارد.

۴. بین سطح درآمد خانواده و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معناداری وجود دارد.

۵. بین وضعیت تأهل پاسخ‌گویان و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معناداری وجود دارد.

۶. بین موقعیت استقرار روستا (جلگه‌ای، کوهستانی و کوهپایه‌ای) و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه تحقیق

در باب احساس نابرابری جنسیتی تحقیقات چندی انجام گرفته است که در اینجا به آنها اشاره می‌شود:

تحقیقی با عنوان *بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی و انگیزه تحرک اجتماعی در دختران دانشجو* توسط جلیل دهنوی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران در سال ۱۳۸۳ انجام گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی است و داده‌ها با ابزار پرسش‌نامه گردآوری شده است. جامعه آماری این پژوهش همه دانشجویان دختر دانشگاه تهران است که ۳۷۳ نفر از آنان به عنوان نمونه برگزیده شده‌اند. بنابر یافته‌های تحقیق، ۹۴/۹ درصد از دانشجویان در جمعیت نمونه، احساس نابرابری جنسیتی زیاد و خیلی زیاد و ۹۸/۹ درصد انگیزه تحرک زیاد و خیلی زیاد داشتند. تنها ۰/۳ درصد پاسخ‌گویان احساس نابرابری کمی داشتند و ۹۴/۹ درصد دارای احساس نابرابری زیاد و خیلی زیاد بودند. ۰/۵ درصد از پاسخ‌گویان دارای احساس نابرابری اجتماعی کم و ۸۹/۶ درصد دارای احساس نابرابری اجتماعی زیاد بودند. ۱/۳ درصد از پاسخ‌گویان دارای احساس نابرابری حقوقی کم و ۷۹/۹ درصد دارای احساس نابرابری حقوقی زیاد بودند. ۱/۳ درصد دارای احساس نابرابری سیاسی کم و ۹۱/۴ درصد دارای احساس نابرابری سیاسی زیاد بودند. تنها ۰/۵ درصد از پاسخ‌گویان احساس نابرابری اقتصادی کم و ۹۳/۶ درصد احساس نابرابری اقتصادی زیاد

داشتند. سرانجام ۱۰/۲ درصد از پاسخ‌گویان دارای احساس نابرابری فرهنگی کم و ۸۹/۸ درصد دارای احساس نابرابری فرهنگی زیاد بودند.

تحقیق دیگری با عنوان *تمایز جنسی روستاییان در کار، فراغت، فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی* توسط سعید سعیدفر انجام شده است. در این طرح، اطلاعات در سه سطح آبادی، خانواده و اعضای خانواده جمع‌آوری، و برای هر سطح پرسش‌نامه جداگانه‌ای در نظر گرفته شده است. در سطح آبادی ۱۲۵، در سطح خانواده ۱۲۸ و در سطح اعضای خانواده ۳۱۱ اطلاعات گردآوری شده است. نتایج آزمون بیانگر آن است که تمایز جنسیتی آشکاری میان دختران و پسران روستایی در گروه سنی هفت تا یازده سال در مصرف کالاهای فرهنگی وجود ندارد و تنها تفاوت اندکی میان دو جنس از نظر فعالیت‌های هنری و بازی و ورزش وجود دارد. دختران ۱/۳۸ برابر پسران کارهای هنری انجام می‌دهند و پسران نیز به همین نسبت بیش از دختران بازی و ورزش می‌کنند. در بررسی موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی نیز مشخص شد که نقش‌های خانه‌داری کاملاً بر عهده زنان است؛ در حالی که نقش‌های مردان منحصر به بیرون خانه و ایفای نقش‌های شغلی است. در بررسی میزان اوقات فراغت زنان و مردان روستایی نیز تفاوت نابرابری جنسیتی را می‌توان دید. زنان در روزهای کار اوقات فراغت زیادتر از مردان، و برعکس در روزهای تعطیل اوقات فراغت کمتر از مردان دارند. این امر این فرض را تقویت می‌کند که تفاوت یا نابرابری جنسیتی در میزان اوقات فراغت ناشی از موقعیت اجتماعی، نقش‌های اجتماعی و تقسیم کار اجتماعی است. در بررسی نوع فعالیت افراد در اوقات فراغت، آشکار شد که زنان چندین بار بیشتر از مردان در انجام دادن فعالیت‌های هنری و صنایع دستی و چندین بار کمتر از مردان در انجام دادن بازی و ورزش فعالیت و گذران اوقات فراغت می‌کنند. در بررسی نوع برنامه‌های مورد علاقه رادیو و تلویزیون هم مشخص شد که زنان بیشتر از مردان روستایی به برنامه‌های خانواده، آشپزی، هنری، و در مقابل مردان بیشتر از زنان به برنامه‌های ورزشی و اخبار علاقه نشان می‌دهند. در واقع، توجه مردان و زنان به برنامه‌های رادیو و تلویزیون بیشتر مرتبط با تقسیم کار جنسیتی و

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

در نظر گرفتن کار مردان در بیرون از خانه و در امور رقابتی، سیاسی و اقتصادی و کار زنان در امور سرگرم‌کننده و خانه‌داری است.

تحقیق دیگری با عنوان *جایگاه و نقش زنان در فرایند توسعه روستایی، مطالعه موردی استان گیلان* از سوی دکتر فضیله خانی در سال ۱۳۷۵ انجام گرفته است. این رساله در مورد کشف ماهیت و تحولات اشتغال زنان روستایی در یک حوزه همگن جغرافیایی در جلگه گیلان است. براساس یافته‌های تحقیق، بافت‌های زراعی و ساختار اجتماعی-اقتصادی تعیین‌کننده نقش زنان در نیروی کار کشاورزی است. در سال‌های اخیر، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر نحوه مشارکت اقتصادی زنان روستایی، بیکاری و مدرنیزاسیون در مناطق روستایی بوده است. این شرایط به‌گونه‌ای عمل کرده است که در بخش نیروی کار رسمی فرصت‌های اشتغال برای مردان به مراتب بیش از زنان بوده است؛ زیرا مردان نسبت به زنان از تحرک فیزیکی و حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند.

روند تحولات روستایی اخیر در منطقه بیشتر در جهت به انزوا کشیدن نیروی کار زنان پیش می‌رود؛ زیرا با نفوذ زندگی شهری در روستاهای منطقه و گسترش آموزش و پرورش شهری در آن، نسل جوان روستایی کم‌کم از کار کشاورزی رویگردان می‌شوند. از سوی دیگر، اغلب زنان به یک نوع فعالیت بسنده کرده، به تدریج با رواج اقتصاد پولی در روستا نیازهای روزمره خود و خانواده را از بازار تهیه می‌کنند؛ از این رو، ۹۲ درصد روستاها اظهار داشتند که زنان هیچ‌گونه فعالیت حاشیه‌ای در کنار فعالیت اول و دوم انجام نمی‌دهند.

سهم مشارکت زنان در کارهای کشاورزی در بین روستاهای منطقه طیف وسیعی را شامل می‌شود. اما در مجموع، در ۴۹ درصد روستاها سهم زنان بین ۳۰ تا ۴۰ درصد گزارش شده و در سایر روستاها بین ۲۴ تا ۴۴ درصد متغیر است. در نهایت، عوامل چندی در باب حجم کار زنان مورد آزمون قرار گرفته و ارتباط آن با توسعه روستایی بررسی شده است. برخی از این عوامل به ویژگی‌های خاص روستاها از نظر موقعیت فضایی و مکانی باز می‌گردد و برخی دیگر به جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی خانواده تأکید دارد.

نتایج پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد اگرچه اشتغال زنان تحت تأثیر شرایط کشت و زرع و نیاز فصلی به نیروی کار است، از جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نیز متأثر می‌شود. یافته‌های تحقیق بر این نکته تأکید دارد که تأثیر شرایط مکانی - فضایی روستاها بر اشتغال زنان به لحاظ همگنی منطقه و همجواری روستاها از یک سو و مناسب بودن راه‌های ارتباطی از سوی دیگر - که دسترسی‌ها را آسان می‌کند - به مراتب کمتر از تأثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی خانواده‌هاست؛ به گونه‌ای که فقر خانوارها نیاز به مشارکت زنان را در نیروی کار تشدید می‌کند و از سوی دیگر با کنار رفتن الزامات اقتصادی، از مشارکت آنان در بازار کار کشاورزی کاسته می‌شود.

مباحث نظری درباره تفاوت و نابرابری جنسیتی

در نگاهی کلی، نظریه‌ها و دیدگاه‌های جنسیت را به دو دسته تقسیم می‌کنند که تا حدی بر نوعی تقدم تاریخی نیز مبتنی است:

۱. دیدگاه‌های مبتنی بر تفاوت و تمایز جنسی؛

۲. دیدگاه مبتنی بر نابرابری جنسی.

دیدگاه‌های مبتنی بر تفاوت جنسی مقدم بر نابرابری جنسی هستند و در واقع در زمره اولین رویکردهای نظری به مسئله جنسیت به شمار می‌آیند. امروزه، دیدگاه‌های تفاوت جنسی در برابر رویکردهای نابرابری جنسی نقشی حاشیه‌ای دارند؛ اگرچه بر شکل‌گیری نظریه‌های فمینیسم بسیار تأثیر گذاشته‌اند. تمام تبیین‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و کارکردی و حتی برخی مباحث دیدگاه کنش متقابل نمادی، پدیدارشناسی و اتنومتدولوژی معطوف به توجیه تفاوت‌ها و تمایزهای جنسی میان زنان و مردان است.

دیدگاه دیگر، رویکرد نابرابری جنسی است که اصل تفاوت و تمایز میان دو جنس را از هر نظر، به‌ویژه زیست‌شناختی و روان‌شناختی می‌پذیرد؛ اما آن را عادلانه و قابل برطرف شدن می‌داند. به همین دلیل به‌نوعی، رسالت دفاع از حقوق زنان و مبارزه تساوی طلبانه برای خود

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

قائل است. در این دیدگاه می‌توان نظریه‌های فمینیستی، لیبرال، مارکسیستی لیبرال، مارکسیستی، سوسیالیستی، رادیکال و روان‌کاوانه را قرار داد.

صرف‌نظر از تفاوت و تمایز یا نابرابری جنسی، دیدگاه فمینیستی را می‌توان از دو نظر تقسیم‌بندی کرد: یکی از نظر توضیح علت‌ها و ریشه‌های تفاوت و نابرابری جنسی و دیگری از نظر زمان آغاز تفاوت و نابرابری جنسی در افراد (معیدفر، ۱۳۸۳: ۱۸۱-۱۸۲).

نظریه‌های نابرابری جنسی

چهار مضمون، شاخص‌های نظریه‌های نابرابری جنسی را تشکیل می‌دهد: نخست اینکه، زنان و مردان نه تنها موقعیت‌های متفاوتی در جامعه دارند، بلکه در موقعیت‌های نابرابر نیز قرار گرفته‌اند. زنان در مقایسه با مردانی که در همان جایگاه اجتماعی جای دارند، از منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت‌های تحقق کمتری برخوردارند. این جایگاه اجتماعی می‌تواند بر طبقه، نژاد، شغل، قومیت، دین، آموزش و ملیت یا هر عامل مهم دیگر اجتماعی مبتنی باشد. دوم اینکه، این نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد و از هیچ‌گونه تفاوت مهم زیست‌شناختی و یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی‌شود. سومین مضمون نظریه نابرابری این است که هر چند افراد انسانی ممکن است از نظر استعدادها و ویژگی‌هایشان با یکدیگر تفاوت داشته باشند، هیچ‌گونه الگوی تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز کند. در واقع، همه انسان‌ها با نیاز عمیق به آزادی برای تحقق نفس و نوعی انعطاف‌پذیری مشخص می‌شوند که باعث می‌شود خودشان را با الزام‌ها، فرصت‌ها و موقعیت‌های زندگی‌شان تطبیق دهند. نابرابری جنسی از آنجا ناشی می‌شود که زنان در مقایسه با مردان از قدرت کمتری برای برآوردن نیاز به تحقق نفس برخوردارند؛ درحالی‌که هر دو در این نیاز سهیم‌اند. چهارم اینکه، همه نظریه‌های نابرابری فرض را بر این می‌نهند که هم مردان و هم زنان می‌توانند در برابر ساختارها و موقعیت‌های برابانه‌تر، واکنشی آسان و طبیعی نشان دهند. به عبارت دیگر، آن‌ها بر این عقیده‌اند که دگرگون کردن موقعیت زنان امکان‌پذیر است.

تبیین‌های نابرابری جنسی بر محور این تغییر اساسی مشترک تفاوت می‌پذیرند. دو گونه اصلی نظریه فمینیستی معاصر که بر نابرابری جنسی تأکید دارند و درصدد تبیین آن هستند عبارت‌اند از: فمینیسم لیبرالی و فمینیسم مارکسیستی (ریتزر، ۱۳۸۲: ۴۷۴).

نظریه نابرابری جنسیتی بلوم برگ

نظریه بلوم برگ نظریه مارکسیستی است. وی جایگاه زنان را در مقایسه با مردان در انواع جوامع، از جوامع آغازین گرفته تا جوامع کاملاً پیچیده اواخر سده بیستم، شرح می‌دهد. لایه‌بندی جنسیتی بلوم برگ بر میزان کنترل زنان بر ابزار تولید، و مقدار تخصیص مازاد تولیدی (یا در اصطلاح مارکسیستی ارزش‌افزوده) آنان نسبت به مردان مبتنی است. کنترل منابع اقتصادی به زنان قدرت اقتصادی می‌بخشد که این قدرت بر قدرت سیاسی، منزلتی و منابع دیگر لایه‌بندی تأثیر می‌گذارد. از دیدگاه بلوم برگ، نابرابری جنسیتی در سطوح مختلف وجود دارد؛ روابط مردان و زنان در خانواده‌ها، اجتماعات محلی و دولت‌ها.

بلوم برگ معتقد است قدرت اقتصادی به وسیله آنچه او میزان تخفیف می‌نامد، شکل می‌گیرد که طی آن قدرت زنان کاهش یا افزایش خواهد یافت. اگر مردان قلمروهای بزرگ‌تری در اختیار داشته باشند، این کنترل بر سطوح بزرگ، قدرت زنان را در خانوار کاهش می‌دهد. به همان نسبت، اگر زنان فعالیت‌های اقتصادی گسترده‌تری داشته باشند، از قدرت بیشتری هم برخوردار می‌شوند. بنابراین، بیشتر زنان امکان داشتن قدرت اقتصادی را در سطوح بالای سازمان اجتماعی دارند و می‌توانند اشکال دیگری از قدرت (سیاسی، مکتبی و مانند این) را به دست آورند و حتی کارهای اقتصادی کوچک آن‌ها باعث افزایش اقتدارشان در خانواده و نفوذشان در اجتماع شود.

بلوم برگ در ادامه، به زمانی اشاره می‌کند که قدرت اقتصادی زنان نسبت به مردان افزایش یابد. وی معتقد است احتمال دارد مردان این‌گونه دگرگونی‌ها را تهدیدی علیه خود بدانند. به‌طور فیزیکی و سیاسی تلاش‌های زنان به‌گونه‌ای نسبی افزایش می‌یابد و به افزایش نفوذ سیاسی می‌انجامد. در صورت درهم شدن این دو، مردان واکنش نشان می‌دهند و در حقیقت

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

خشونت مردان علیه زنان آغاز می‌شود. بنابراین، به‌دست آوردن و کنترل قدرت اقتصادی، کنترل ابزار تولید و تخصیص دستاوردهای تولید، شرایطی بحرانی است که بر جایگاه زنان در نظام لایه‌بندی جامعه اثر می‌گذارد.

بلوم برگ دو عامل را در دست‌یابی زنان به قدرت اقتصادی مؤثر می‌داند: ۱. ناگزیری استراتژیک از کار زنان؛ ۲. نظام خویشاوندی. وی به سه بعد قوانین وراثتی، قانون اقامت خویشاوندی و قانون بقا و محدودیت‌های زنان در این موارد اشاره می‌کند. بلوم برگ معتقد است هنگامی که روابط اشتراکی تولید پابرجا می‌شود و مردان و زنان به‌طور برابر در کار و دستاوردهای آن سهیم می‌شوند، زنان از قدرت اقتصادی برخوردارند؛ اما کنترل مردان باعث می‌شود لایه‌بندی طبقاتی گسترش یابد. اگر زنان در این شرایط نتوانند ثروت را انتقال دهند یا کنترل کنند، توانایی‌شان در به‌دست آوردن قدرت اقتصادی تا حد زیادی کاهش می‌یابد.

از دیدگاه وی، نابرابری‌ها در سطوح مختلف وجود دارد و نابرابری در توزیع قدرت، منزلت، دارایی و فرصت‌ها برای دو جنس از آن‌جمله است. زنان در پایین نردبان لایه‌بندی عملاً هیچ امکانات مالی ندارند و زمانی موقعیت برای آن‌ها پیش می‌آید که مردان و زنان به‌گونه‌ای برابر با هم شریک باشند.

زنان بدون قدرت اقتصادی، از منزلت اندکی برخوردارند و کنترل کمی بر مسائلی از این قبیل دارند: الگوی باروری (شمار فرزندان و زمان بچه‌دار شدن) ازدواج، حقوق‌شان در طلاق، روابط پیش و پس از ازدواج، فعالیت خانگی، سطح و نوع تحصیلات، و آزادی در تحرک و تعقیب خواسته‌ها و علایق‌شان و دست‌یابی به فرصت‌ها.

بنابراین، قدرت اقتصادی بر توانایی‌های زنان در امور مختلف تأثیر زیادی دارد. سخن کوتاه اینکه اگر کار زنان به‌طور استراتژیک ضروری باشد و اگر نظام خویشاوندی، وراثت و کسب دارایی را تسهیل کند و همچنین اگر لایه‌بندی به سود مردان نباشد، در این صورت زنان می‌توانند به قدرت اقتصادی دست یابند. بدون این قدرت اقتصادی زنان، لایه‌بندی جنسیتی بالا خواهد بود و تنها با وجود قدرت اقتصادی زنان است که نابرابری جنسیتی کاهش می‌یابد و امکان تحرک اجتماعی برای آنان فراهم می‌شود (Turner, 1998: 333-334).

نظریه نابرابری جنسیتی چافتز

چافتز از نظریه پردازانی است که تبیین های علمی خود را در جهت لایه بندی جنسیتی گسترش داده است. بیشتر تلاش های وی در جهت برابری جنسیتی است. او نظریه ای در باب حفظ و بازتولید نظام های جنسیتی دارد و نظریه تغییر را نیز مطرح می کند.

• دگرگونی ناخودآگاهانه لایه بندی جنسیتی

فرایندهای زیادی وجود دارد که موجب دگرگون سازی یا لایه بندی جنسیتی می شود که دگرگونی های درازمدت در توزیع منابع یا نوسان های کوتاه مدت در فرصت ها برای زنان از آن جمله است. نیروهایی همچون دگرگونی های فناورانه، تغییرات جمعیتی در سن و ترکیب جمعیت، دگرگونی ساختار اقتصادی و نیروهای جغرافیایی و سیاسی مانند جنگ و کوچ، می تواند فشارهایی بر نظام نابرابری جنسیتی وارد کند. چافتز این فرایند را «فرایند دگرگونی غیر عمدی» می نامد.

الف) متغیرهای جمعیتی

گسترش جمعیت در سن کار فرصت های زنان را کاهش می دهد؛ در حالی که کاهش جمعیت در سن کار فرصت های زنان را در تقسیم کار اقتصادی افزایش خواهد داد. نسبت جنسی هم به همین اندازه تأثیر دارد؛ به گونه ای که هر چه نسبت جنسی مردان به زنان پایین تر باشد، فرصت های زنان افزایش می یابد و اگر عکس آن صادق باشد، فرصت های زنان کاهش خواهد یافت.

ب) متغیرهای فناورانه

دگرگونی های فناورانه تأثیرات مهمی بر لایه بندی جنسیتی دارد. با دگرگونی فناوری امکانات بهبود می یابد، تحرک پدیدار می شود، ظرفیت کار بیرون از خانه و مسئولیت های خانگی نیز تغییر می کند، و فرصت ها برای زنان افزایش می یابد و در پی آن تأثیرات تقسیم کار جنسی در نابرابری کاهش پیدا می کند.

ج) متغیرهای اقتصادی

دگرگونی‌های ساختاری در اقتصاد بر لایه‌بندی جنسیتی اثر می‌گذارد. اقتصاد گسترده به زنان کمک می‌کند نقش‌هایی مانند نقش مردان به‌دست آورند و برعکس، اقتصاد کاذب از فرصت‌های زنان می‌کاهد.

د) متغیرهای سیاسی

تضادها در حوزه سیاسی می‌تواند درونی یا بیرونی باشد. چافتر معتقد است هنگامی که نقش‌های مرسوم مردان با هم در تضاد قرار می‌گیرد مانند هنگامی که مردان به جنگ می‌روند، فرصت‌های زنان به دلیل نسبت جنسی پایین مردان افزایش می‌یابد؛ اما هنگامی که مردان از جنگ برگردند، حتی اگر تعداد زیادی از آن‌ها کشته شده باشند، زنان دوباره به جایگاه قبلی خود بازمی‌گردند.

● دگرگونی‌های آگاهانه لایه‌بندی جنسیتی

الف) تلاش نخبگان

نخبگان جامعه به دلایلی تلاش می‌کنند از دگرگونی‌سازی نابرابری جنسیتی پشتیبانی کنند. این پشتیبانی می‌تواند برآمده از این باشد که لایه‌بندی جنسیتی، جایگاه آنان را به‌عنوان نخبگان جامعه به خطر می‌اندازد و از سوی دیگر، لایه‌بندی جنسیتی طرح‌ها و اهداف نخبگان را خنثی می‌کند. همچنین آن‌ها به‌سبب دست یافتن به پشتیبانی زنان در رقابت با دیگر نخبگان، از دگرگونی در لایه‌بندی حمایت می‌کنند.

ب) تلاش زنان

عواملی همچون صنعتی‌شدن که باعث افزایش مشاغل غیرخانگی می‌شود، شهرنشینی که باعث متمرکز شدن زنان می‌شود، و همچنین گسترش طبقه متوسط که زنان آن بیشتر از دیگر زنان در جست‌وجوی کارهای بیرون از خانه هستند، زنان را به کار در بیرون خانه علاقه‌مند می‌کند و خواسته‌هایی نو در آنان پدید می‌آورد. هنگامی که این انتظارات و خواسته‌ها در نظام لایه‌بندی موجود با مانع روبه‌رو شود و زنان نتوانند به آن‌ها دست یابند، در نتیجه آنان به‌صورت گروهی، بی‌بهرگی و نابرابری را احساس خواهند کرد. از دیدگاه چافتر، این فرایند زمانی که زنان در

جای خاصی دور هم گرد می‌آیند، تسریع می‌شود. از سوی دیگر، پختگی ایدئولوژیک افراد، تعریف‌های جنسیتی موجود در جامعه را دگرگون می‌کند. این عوامل در زنان احساس نابرابری نسبی پدید می‌آورد که خود به پیدایش تلاش و گرایش (انگیزه) به دگرگون کردن نظام لایه‌بندی و تحرک اجتماعی در آنان منجر می‌شود. این فرایند، پیامد مثبت احساس نابرابری جنسیتی شمرده می‌شود. حتی اگر این جنبش‌ها کارکرد معکوس داشته باشد و آشوب مکتبی و سیاسی پدید آورد و تعریف‌های جنسیتی پیشین را از میان بردارد، باز هم می‌تواند کارکرد داشته باشد و آن، ایجاد سازمان‌های نوین بیشتری از جنبش زنان است (Ibid, 238).

چارچوب نظری پژوهش

با توجه به اهمیت مشارکت اقتصادی همه آحاد جامعه اعم از زن و مرد چه در شهر و روستاها، توجه و بازنگری به جایگاه زنان و نقش آنان در توسعه ضروری به‌نظر می‌رسد تا جایی که در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته به زنان در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... اهمیت بسیاری قائل می‌شوند.

اعلام سال جهانی زن (۱۹۷۵م) و دهه زن از سوی سازمان ملل متحد، توجه جهانیان را بیش از پیش به نقش زنان در روند توسعه جلب کرده است. در این میان یکی از مواردی که درخور توجه جدی است، زنان روستایی‌اند که دارای ویژگی‌های کاملاً متفاوت با جوامع شهری هستند. روستاییان به‌ویژه زنان روستایی نقش مهمی در فرایند رشد اقتصادی ایفا می‌کنند و هر کشوری برای رسیدن به مرحله رشد و توسعه نیازمند سامان‌دهی و برنامه‌ریزی در بخش اقتصاد روستایی است. اما همواره در برنامه‌ریزی‌های توسعه به این بخش از جامعه، یعنی روستاییان به‌ویژه زنان روستایی توجه چندانی نشده است.

آنچه در روند توسعه پایدار جوامع درخور ذکر است، عقب‌نشینی جوامع روستایی نسبت به جوامع شهری در روند توسعه است. این امر به گونه فزاینده‌ای به مشکلات روستا دامن می‌زند و موجب می‌شود با وجود سهم شایسته زنان در همه دوران‌ها در اقتصاد روستایی، سهم

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

کنونی آن‌ها در جامعه و فضای در حال تحول دیگر همان سهم گذشته نباشد... (صالحین، ۱۳۸۲: ۳۶).

اندیشمندان و نظریه‌پردازان همیشه سعی کرده‌اند دلایل تبعیض و نابرابری‌های موجود بین زنان و مردان را در جامعه بکاوند (معیدفر، ۱۳۸۳: ۱۸۰). با توجه به اهمیت موضوع، نظریات متعددی در این حوزه مطرح شده است که هر کدام به‌گونه‌ای سعی کرده‌اند ابعاد و علل نابرابری جنسیتی را بررسی و راهکارهایی جهت رفع آن ارائه کنند.

توجه رویکرد بی‌بهرگی نسبی به مقایسه در سطح گروه به‌عنوان یک جزء مهم تشکیل‌دهنده تعیین ارزیابی‌های پاداش است. براساس این دیدگاه، در پی مقایسه با دیگران نیازها پدید می‌آید؛ به‌ویژه در شرایط رقابت، افراد یا گروه‌های مرجع می‌توانند خواسته‌های راستین فرد نباشند، اما در مقایسه با دیگران در فرد احساس نیاز پدید می‌آورند. این احساس نیاز، احساس کمبود نسبی یا احساس نابرابری نسبی نامیده می‌شود و در کانون نظریه بی‌بهرگی نسبی جای می‌گیرد. براساس این دیدگاه، زنان با مقایسه خود و دیگران ممکن است چنین احساس نابرابری کنند. بنابراین، میزان درآمد خانواده از این دیدگاه انتخاب شد.

نظریه‌های نابرابری جنسیتی دارای چهار شاخص است: اول اینکه زنان و مردان نه تنها موقعیت‌های متفاوتی در جامعه دارند، بلکه در موقعیت‌های نابرابر نیز قرار گرفته‌اند. زنان در مقایسه با مردانی که در همان جایگاه اجتماعی قرار دارند، از منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت‌های تحقق کمتری برخوردارند. دوم اینکه این نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد. سوم اینکه نابرابری جنسی به‌این علت وجود دارد که زنان در مقایسه با مردان از قدرت کمتری برای برآوردن نیاز به تحقق نفس برخوردارند؛ درحالی‌که هر دو در این نیاز سهیم‌اند. چهارم اینکه همه نظریه‌های برابری فرض را بر این می‌گیرند که هم مردان و هم زنان می‌توانند در برابر موقعیت‌های برابانه‌تر واکنش آسان و طبیعی نشان دهند؛ به‌عبارت دیگر، آن‌ها بر این عقیده‌اند که دگرگون کردن موقعیت زنان امکان‌پذیر است.

ابعاد نابرابری جنسیتی را می‌توان در قالب نظریه نابرابری جنسیتی بلوم برگ بهتر توضیح داد. بلوم برگ جایگاه زنان را در مقایسه با مردان در انواع جوامع توضیح می‌دهد. لایه‌بندی

جنسیتی بلوم برگ بر میزان کنترل زنان بر ابزار تولید و مقدار تخصیص مازاد تولیدی به آنان نسبت به مردان مبتنی است. کنترل بر منابع اقتصادی، به زنان قدرت اقتصادی می‌دهد و این قدرت بر قدرت سیاسی، منزلتی و منابع دیگر لایه‌بندی تأثیر می‌گذارد.

از دیدگاه بلوم برگ، نابرابری جنسیتی در سطوح مختلف وجود دارد؛ روابط مردان و زنان در خانواده‌ها، اجتماعات و دولت‌ها. می‌توان از نظریه برابری برای ارائه راهکار استفاده کرد؛ زیرا از دیدگاه نظریه برابری علت عقب‌ماندگی زنان، نابرابری است و برابری خود به توسعه می‌انجامد. توجه به این نظریه، معطوف به عدم تساوی بین مرد و زن در زندگی فردی و اجتماعی در طبقات مختلف اقتصادی است. این دیدگاه مفهوم توسعه و تساوی را یکی می‌کند. تساوی به توسعه می‌انجامد؛ پس برای رسیدن به توسعه باید به سمت تساوی رفت. در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت با توجه به موضوع تحقیق و نیز جامعه مورد بررسی، از نظریات نابرابری جنسیتی استفاده شده است.

موقعیت جغرافیایی استان گیلان

استان گیلان دارای ۱۴۷۱۱ کیلومتر مربع مساحت است. این استان در ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی، و ۴۸ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار قرار گرفته است. استان گیلان در امتداد غربی- شرقی دریای خزر به طول ۲۳۵ کیلومتر و به پهنای ۲۵ تا ۱۰۵ کیلومتر به‌طور متغیر گسترش یافته است و رشته‌کوه البرز با ارتفاع متوسط ۳۰۰۰ متر همانند دیواری در جنوب گیلان، این منطقه را از فلات ایران جدا کرده است (سالنامه آماری استان گیلان). این استان از شمال به دریای خزر و کشور آذربایجان، از غرب به اردبیل، از شرق به مازندران و از جنوب به استان‌های قزوین و زنجان محدود است (دهقان، ۱۳۸۳: ۷۶).

جمعیت استان گیلان

استان گیلان در سال ۱۳۸۵ دارای ۱۶ شهرستان، ۴۳ بخش، ۴۹ شهر و ۱۰۹ دهستان است. تعداد آبادی‌های این استان ۲۹۳۵ است که ۲۶۹۴ روستا دارای سکنه و ۲۴۱ روستای آن خالی

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

از سکنه است. از کل جمعیت استان، ۱/۱۰۹/۱۰۴ نفر در روستاها ساکن‌اند که ۵۵۰/۰۰۴ نفر آنان مرد و ۵۵۹/۱۰۰ نفر آن‌ها نیز زن هستند.

تعریف‌ها و مفاهیم نابرابری

در ادبیات مفهوم برابری، مفهومی عام و کلی در نظر گرفته می‌شود؛ ولی مصادیق مختلف آن در عرصه اجتماعی در پنج گروه جدا طبقه‌بندی می‌شود: برابری سیاسی، برابری نزد قانون، برابری فرصت، برابری اقتصادی و برابری اجتماعی یا احترام که به‌اختصار به توضیح هریک می‌پردازیم:

برابری سیاسی: برابری سیاسی با توجه به حکومت‌های دموکراسی مبتنی بر نمایندگی، به برابری در حق رأی و برابری بالقوه برای انتخاب‌شدن به‌عنوان رئیس‌جمهور ناظر است؛ یعنی تمام افراد به‌طور برابر حق دارند رأی خود را به صندوق بریزند و نماینده خود را انتخاب کنند؛ همچنین دارای این حق هستند که اگر خود را شایسته نمایندگی یا ریاست جمهوری بدانند، برای این کار نامزد شوند.

برابری نزد قانون: به این معناست که از سوی نظام حقوقی با همه مردم در صورت رخ دادن یک جرم به شیوه یکسانی رفتار شود؛ یعنی پایگاه اجتماعی افراد در تعیین میزان جرم آن‌ها نقشی ندارد.

برابری فرصت: به نظام‌های تحرک و قشربندی اجتماعی وابسته است. اول اینکه به این معناست که همه افراد جامعه امکان حرکت روبه‌بالا و پایین در طبقه یا نظام منزلت خود خواهند داشت؛ این تحرک به میزان توانایی فردی و به‌کارگیری آن در این جهت وابسته است. دوم دربردارنده این معناست که هیچ سد ساختگی مانع هیچ شخص نمی‌شود تا آنچه می‌تواند، به‌دست آورد. مسئله مهم در مفهوم برابری، کلمه ساختگی است که به ویژگی‌های فردی مانند نژاد و جنس اشاره دارد و بر توانایی‌های طبیعی تأثیری ندارند.

برابری اقتصادی: معمولاً به این معناست که برای همه افراد جامعه باید کمترین سطح از امنیت اقتصادی تضمین شده باشد. بحث اصلی در برابری اقتصادی این است که بدون اندازه‌ای از امنیت فردی، شهروند به‌طور مؤثر در موقعیتی برای مشارکت قرار نخواهد گرفت.

برابری اجتماعی:^۱ پنجمین نوع از برابری است که به آن برابری در احترام هم می‌گویند. این نوع برابری به نبودن تمایزات طبقه‌ای و منزلتی اشاره دارد که حصارهای مصنوعی پدید می‌آورد و بر ویژگی‌های نژادی، جنسی و... تأکید می‌کند. هنوز هم در بسیاری از جوامع این نوع تمایزگذاری‌ها به رسمیت شناخته می‌شود. در این معنا، این برابری جنبه‌ای از برابری فرصت را هم دربرمی‌گیرد. همچنین این نوع برابری به سطحی از روابط فردی میان اشخاص، که وجوه دیگر برابری آن را دربرنمی‌گیرد، اشاره دارد. بنابراین برابری و احترام، احترام به افراد را ورای ویژگی‌هایی که در کلیشه‌ها و باورهای افراد وجود دارد، مورد توجه قرار می‌دهد.

با توجه به انواع برابری که از یکدیگر متمایز شده است، گرایش به برابرسازی در هر کدام از این زمینه‌ها با عدالت منطبق خواهد بود.

از آنجایی که در مقابل برابری، نابرابری قرار می‌گیرد، لازم است به تعریف نابرابری‌های اجتماعی و زمینه‌های آن اشاره و به اشکال نابرابری پرداخته شود.

مفهوم برابری و نابرابری اجتماعی

رابطه برابری و نابرابری را در عرصه اجتماعی شاید بتوان با رابطه بین «باید» و «هست» همانند دانست. نابرابری اجتماعی از واقعیت‌های اجتماعی زندگی انسان‌ها در طول قرن‌های طولانی است؛ درحالی‌که برابری از ارزش‌ها و مطلوب‌های انسانی است که در تحقق آن تلاش‌های زیادی چه به‌صورت نظری و چه عملی صورت گرفته است. بر همین اساس است که جامعه‌شناسی بیشتر به مطالعه نابرابری‌های اجتماعی علاقه نشان می‌دهد؛ ولی فلسفه بیشتر به برابری توجه می‌کند. بنابراین ما هم با توجه به صبغه جامعه‌شناختی پژوهش، برای اینکه به

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

مفهوم برابری صراحت ببخشیم، نقطه عزیمت را مفهوم نابرابری قرار می‌دهیم که جنبه عینی‌تری دارد.

نابرابری اجتماعی^۱

به‌طور کلی، نابرابری اجتماعی ناظر بر تفاوت‌هایی میان افراد یا جایگاه‌هایی است که به صورت اجتماعی تعریف شده و آن‌ها را اشغال کرده‌اند؛ این تفاوت‌ها بر نحوه زندگی آن‌ها به‌ویژه حقوق، فرصت‌ها و پاداش‌ها و امتیازهایی که از آن برخوردارند، تأثیر می‌گذارد. گرب این تفاوت‌ها را بیشتر ناشی از ساختاری‌شدن آن‌ها می‌داند؛ یعنی از میان تفاوت‌های بی‌شماری که افراد با یکدیگر دارند، تنها زیرمجموعه محدودی از آن‌ها به روابط نابرابر منجر می‌شوند که در طول زمان و در مکان‌های مختلف الگوهای ساخت‌یافته متعددی را از نابرابری ایجاد می‌کنند (میرسندسی، ۱۳۷۵: ۱۱-۱۰).

مهم‌ترین شرط تحقق توسعه و تعادل در جامعه، وجود روابط اجتماعی عادلانه و از بین بردن نابرابری‌های اجتماعی است. فقدان روابط اجتماعی عادلانه در جامعه و افزایش نابرابری‌های اجتماعی، مهم‌ترین عامل توسعه‌نیافتگی و سرانجام عدم تحقق متعادل خواسته‌ها و نیازهای انسان و یا گروه‌هایی از افراد جوامع است.

منظور از ایجاد روابط اجتماعی عادلانه، مهار کردن یا از بین بردن نابرابری‌ها و تضادهای اجتماعی است، به‌گونه‌ای که خواسته‌ها و نیازهای انسان در قالب و روند دگرگونی‌های اجتماعی به‌طور متعادل تحقق یابد. توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی، از نبود روابط اجتماعی عادلانه در جوامع انسانی پدید می‌آید و نبود روابط اجتماعی عادلانه به فقدان امکانات مساوی برای رفع نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی انسان در جوامع انسانی منجر می‌شود (سیف‌الهی، ۱۳۷۴: ۴۹).

همان‌طور که می‌دانیم اگر نابرابری‌ها در تقسیم مزایای اجتماعی - که مهم‌ترین آن‌ها قدرت، ثروت و منزلت است - براساس نقش‌های افراد باشد، «می‌توان گفت که بهره‌مندی از مزایا تا آن حد که لازمه ایفای نقش افراد است، به‌صورت نابرابر توزیع می‌شود و این نابرابری لازمه

1. Social Unequality

تداوم حیات اجتماعی است... البته برخلاف مزایا به دلیل تقسیم کار و تفاوت نقش‌ها، سایر نابرابری‌ها لازمه حیات اجتماعی نیست و در بسیاری از موارد از عوامل اختلال و ازهم‌پاشیدگی زندگی اجتماعی محسوب شود.» (رجب‌زاده، ۱۳۸۰: ۶۱).

ابعاد و انواع نابرابری جنسیتی

نابرابری اجتماعی: یعنی زنان به اندازه مردان امکانات و فرصت‌های لازم را در خانواده و جامعه ندارند.

نابرابری حقوقی: یعنی قوانین در جامعه ما به سود مردان وضع و اجرا می‌شود.
نابرابری سیاسی: یعنی اینکه زنان به اندازه مردان امکان فعالیت و مشارکت سیاسی ندارند.
نابرابری اقتصادی: به این معنا که زنان از درآمد هم‌سطح با مردان برخوردار نیستند و شرایط برای کار بیرون از خانه برای آنان هموار نیست.
نابرابری فرهنگی: یعنی اینکه در تعالیم دینی و سنت‌ها برابری زنان و مردان در نظر گرفته نشده است و زنان امکان فعالیت فرهنگی یکسان با مردان ندارند (دهنوی، ۱۳۸۴: ۷۵۱-۷۵۵).
نابرابری حقوقی: در قانون اساسی بسیاری از حقوق زنان مطرح شده است؛ اما در قانون مدنی شاهد محدود کردن یا از بین بردن آن با تبعیض قائل شدن میان مرد و زن در این حقوق هستیم.

روش تحقیق

از آنجایی که روش تحقیق براساس ماهیت و موضوع تحقیق مشخص می‌شود، روش تحقیق حاضر پیمایش اجتماعی^۱ است و برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است.
۱. متغیر وابسته: در این تحقیق، نابرابری جنسیتی به عنوان متغیر وابسته با ۲۴ گویه در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی مورد سنجش قرار گرفته است. در باب سنجش نابرابری در بعد حقوقی پنج گویه، در بعد سیاسی پنج گویه، در بعد اقتصادی چهار گویه، در بعد اجتماعی شش گویه و در بعد فرهنگی چهار گویه استفاده شده است. متغیر وابسته تحقیق با احساس نابرابری جنسیتی با بعضی از متغیرهای مستقل در رابطه قرار گرفته است.

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

۲. متغیرهای مستقل: شامل میزان درآمد خانواده، سطح تحصیلات پاسخ‌گویان، فاصله روستا تا مرکز شهرستان، موقعیت روستا (جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی) و وضعیت تأهل است.

۳. تعریف عملیاتی

۳-۱. نابرابری جنسیتی: در این تحقیق، نابرابری جنسیتی با ابعاد نابرابری اجتماعی، نابرابری حقوقی، نابرابری فرهنگی، نابرابری اقتصادی و نابرابری سیاسی در قالب گویه‌هایی به شرح زیر سنجیده شده است:

نابرابری حقوقی	- در جامعه ما قوانین بیشتر به سود مردان وضع و اجرا می‌شود. - قوانین به گونه‌ای وضع شده است که گویی زنان در جامعه حقی ندارند. - در قوانین کشور ما اگر مرد و زنی اختلاف داشته باشند، داوری عموماً به نفع مردان است. - بسیاری از دستورات دینی از قبیل سهم‌الارث، دیه و اختیارات منزل به نفع مردان وضع شده است. - قوانین ما به گونه‌ای تنظیم شده است که مردان تا حدودی آقابالاسر زنان باشند.
نابرابری سیاسی	- امکان اشتغال در منصب‌های مهم سیاسی برای زنان مانند مردان فراهم نیست. - زنان نسبت به مردان برای شرکت در محافل سیاسی دارای محدودیت هستند. - اگر در روستاهای ما زنی خود را برای عضویت در شورا نامزد کند، خیلی عجیب به نظر می‌رسد و پذیرفته شده نیست. - اغلب، در روستاهای ما مردان در مقایسه با زنان از امکان بیشتری برای عضویت در شورای شهر و روستاها برخوردارند. - در روستاهای ما اگر مردان به زنان اجازه ندهند، آن‌ها هم حق رأی‌دادن ندارند.

نابرابری اقتصادی	- زنان از درآمد هم‌سطح با مردان برخوردار نیستند. - اگر دختر و پسری به یک اندازه تحصیلات داشته باشند، برای پسران زودتر کار پیدا خواهد شد. - در روستاهای ما زنان حق مالکیت زمین ندارند و اغلب زمین‌ها به نام مردان است. - داشتن شغل برای دختران چندان در سرنوشت جامعه مؤثر نیست.
نابرابری اجتماعی	- در روستاهای ما خانواده‌ها بیشتر امکانات رفاهی را در اختیار پسران قرار می‌دهند تا دختران. - در روستاهای ما خانواده‌ها از به دنیا آمدن پسر خوشحال‌تر می‌شوند. - در روستاهای ما پسران از آزادی انتخاب بیشتری نسبت به دختران برخوردارند. - عموماً در روستاهای ما پسران مفیدتر و مؤثرتر در جامعه فرض می‌شوند تا دختران. - در روستاهای ما زنان به اندازه مردان امکانات و فرصت‌های لازم را در خانواده و جامعه ندارند.
نابرابری فرهنگی	- فشارهای ناشی از بالا رفتن سن ازدواج برای زنان بیشتر از مردان است. - در روستاهای ما زنان مانند مردان در انتخاب همسر آزادی ندارند. - دختران در مقایسه با پسران با ازدواج، آزادی‌های بیشتری را از دست می‌دهند. - سنت‌ها و آداب و رسوم روستاها شرایط سختی را برای زنان ایجاد کرده است.

این شاخص در طیف لیکرت به صورت مدرج تنظیم شده است. هرگویه دارای پاسخ کاملاً موافقم، موافقم، بی نظر، مخالفم و کاملاً مخالفم است که پاسخ گو یکی از موارد را به دلخواه و برحسب نظر خود انتخاب می کند و در نهایت میزان احساس نابرابری جنسیتی در افراد به این صورت تعیین می شود:

۱ = کاملاً موافقم	۲ = موافقم
۳ = بی نظر	۴ = مخالفم
۵ = کاملاً مخالفم	

برای تبدیل به متغیرهای ترتیبی از تحلیل خوشه ای استفاده شده و به فاصله $1/33$ و به سه گروه: زیاد = $1-2/33$ ، متوسط = $3/66-2/34$ و کم = $3/67-5$ تقسیم شده است.

۳-۲. موقعیت استقرار روستا: در این تحقیق روستاهای استان گیلان از لحاظ استقرار به روستاهای جلگه ای، کوهپایه ای و کوهستانی تقسیم شده است که روستاهای جلگه ای از شهرستان های رشت، صومعه سرا و رودسر، روستاهای کوهپایه ای از شهرستان های شفت، فومن و سیاهکل، و روستاهای کوهستانی از شهرستان های آستارا، رودبار و تالش انتخاب شده اند. ۳-۳. دوری و نزدیکی روستا به شهر: منظور مسافت روستا تا مرکز شهرستان است که با توجه به فرضیه تحقیق از روستاهای استان گیلان با فاصله ۵ تا ۵۰ کیلومتر انتخاب شده است. درباره ارتباط آن با میزان احساس نابرابری جنسیتی نیز به فاصله کمتر از ۱۵ کیلومتر، ۱۵ تا ۳۰ کیلومتر و ۳۱ تا ۵۰ کیلومتر تقسیم بندی شده است.

۳-۴. وضعیت تأهل: منظور زنان ازدواج کرده و شوهردار و زنان هرگز ازدواج نکرده است.

۳-۵. میزان تحصیلات پاسخ گویان: منظور تعداد کلاس هایی است که پاسخ گویان تاکنون گذرانده اند که در این تحقیق به صورت بی سواد و باسواد تقسیم شده است. زنان باسواد نیز به تحصیلات زیردیپلم، دیپلم، فوق دیپلم و تحصیلات عالی تقسیم شده اند.

۳-۶. درآمد خانواده پاسخ گویان: منظور مقدار دریافتی ماهیانه همسر پاسخ گویان است که به چهار دسته: کمتر از ۱۰۰ هزار تومان، ۱۰۱ تا ۲۰۰ هزار تومان، ۲۰۱ تا ۳۰۰ هزار تومان و بالاتر از ۳۰۱ هزار تومان تقسیم شده است.

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

۳-۷. جامعه آماری: جامعه آماری این تحقیق شامل جمعیت زنان کل آبادی‌های استان گیلان است. مجموع آبادی‌های استان گیلان ۲۷۰۰ است که جمعیت زنان این مناطق براساس آمارنامه سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۱۱۲/۱۳۷ نفر است.

۳-۸. حجم نمونه: تعداد ۲۶۶ نفر محاسبه شد که جهت اطمینان به ۳۰۰ نفر افزایش یافت. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است:

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq} = 266$$

t^2 = با توجه به درصد اطمینان در سطح ۹۵ درصد، برابر با ۱/۹۶ است؛

p = احتمال وجود صفت؛

q = احتمال فقدان صفت؛

N = تعداد کل جمعیت مورد مطالعه است که برابر با ۱۱۲/۱۳۷ است؛

d = احتمال خطا که در تحقیق ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.

۳-۹. روش نمونه‌گیری: در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. از بین روستاهای استان گیلان که به سه منطقه جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی تقسیم شده است، به‌طور تصادفی از منطقه جلگه‌ای چهار روستا و از مناطق کوهستانی و کوهپایه‌ای هر کدام سه روستا به شیوه تصادفی انتخاب شده است. روستاهای مناطق جلگه‌ای شامل صیقل‌سرا (رودسر)، ویشکانک (رشت)، ماتک (صومعه‌سرا) و استخرسر است. روستاهای مناطق کوهپایه‌ای شامل خورتای (سیاهکل)، قلعه رودخان (فومن) و امامزاده ابراهیم (شفه) است. روستاهای مناطق کوهستانی نیز شامل کلاشم (تالش)، حیران علیا (آستارا) و طاسکو (رودبار) است.

۳-۱۰. روش جمع‌آوری اطلاعات: برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است که با مراجعه به روستاها و منازل پاسخ‌گویان، پرسش‌نامه‌ها تکمیل شده است.

۱۱-۳. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها وارد رایانه شده و پس از استخراج، جدول‌های یک‌بعدی به دست آمده است. در بعضی موارد از میانگین استفاده شده، سپس آزمون‌های مناسب (توزیع دوجمله‌ای و χ^2) روی داده‌ها انجام گرفته است.

یافته‌های تحقیق

جدول‌های توصیفی

- احساس نابرابری سیاسی در پاسخ‌گویان
بیانگر توزیع فراوانی میزان احساس نابرابری سیاسی در زنان روستایی مورد مطالعه است. همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد، میزان احساس نابرابری سیاسی در ۳۳ درصد زنان روستایی زیاد، در ۶۰/۳ درصد متوسط و در ۶/۷ درصد زنان روستایی کم است.

جدول ۱ توزیع فراوانی احساس نابرابری سیاسی در زنان روستایی استان گیلان

احساس نابرابری سیاسی	فراوانی	درصد
زیاد	۹۹	۳۳
متوسط	۱۸۱	۶۰/۳
کم	۲۰	۶/۷
جمع	۳۰۰	۱۰۰

- احساس نابرابری حقوقی در پاسخ‌گویان
نشان‌دهنده نابرابری حقوقی در زنان روستایی استان گیلان است. براساس داده‌های جدول، میزان احساس نابرابری حقوقی در ۵۸ درصد زنان روستایی در حد متوسط، در ۳۵/۷ درصد زیاد و در ۶/۳ درصد آنان در حد کم است.

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

جدول ۲ توزیع فراوانی احساس نابرابری حقوقی در زنان روستایی استان گیلان

احساس نابرابری حقوقی	فراوانی	درصد
زیاد	۱۰۷	۳۵/۷
متوسط	۱۷۴	۵۸
کم	۱۹	۶/۳
جمع	۳۰۰	۱۰۰

- احساس نابرابری فرهنگی در پاسخ‌گویان
حاکمی از توزیع فراوانی میزان احساس نابرابری فرهنگی در زنان روستایی استان گیلان است. براساس داده‌های جدول، احساس نابرابری فرهنگی در ۴۸/۳ درصد زنان روستایی زیاد، در ۴۶/۷ درصد در حد متوسط و در ۵ درصد کم است.

جدول ۳ توزیع فراوانی احساس نابرابری فرهنگی در زنان روستایی استان گیلان

احساس نابرابری فرهنگی	فراوانی	درصد
زیاد	۱۴۵	۴۸/۳
متوسط	۱۴۰	۴۶/۷
کم	۱۵	۵
جمع	۳۰۰	۱۰۰

- احساس نابرابری اجتماعی در پاسخ‌گویان
نمودار میزان احساس نابرابری اجتماعی در بین زنان روستایی استان گیلان است. طبق داده‌های جدول، میزان احساس نابرابری اجتماعی در ۴۷/۷ درصد پاسخ‌گویان زیاد، ۴۷/۷ درصد متوسط و نیز در ۴/۷ درصد زنان در حد کم است.

جدول ۴ توزیع فراوانی احساس نابرابری اجتماعی در بین زنان روستایی استان گیلان

احساس نابرابری اجتماعی	فراوانی	درصد
زیاد	۱۴۳	۴۷/۷
متوسط	۱۴۳	۴۷/۷
کم	۱۴	۴/۷
جمع	۳۰۰	۱۰۰

- احساس نابرابری اقتصادی در پاسخ گویان
 نشان دهنده میزان احساس نابرابری اقتصادی در بین زنان روستایی مورد مطالعه است. داده های
 جدول گویای آن است که میزان احساس نابرابری اقتصادی ۱۷/۳ درصد پاسخ گویان زیاد،
 ۷۰/۷ درصد متوسط و ۱۲ درصد در حد کم است.

جدول ۵ توزیع فراوانی احساس نابرابری اقتصادی در بین زنان روستایی استان گیلان

احساس نابرابری اجتماعی	فراوانی	درصد
زیاد	۵۲	۱۷/۳
متوسط	۲۱۲	۷۰/۷
کم	۳۶	۱۲
جمع	۳۰۰	۱۰۰

- احساس نابرابری جنسیتی در پاسخ گویان
 نشان دهنده احساس نابرابری جنسیتی در زنان روستایی مورد مطالعه است. همان طور که
 داده های جدول نشان می دهد، میزان احساس نابرابری جنسیتی در ۶۷/۳ درصد زنان متوسط،
 ۳۰/۷ درصد زیاد و ۲ درصد در حد کم است.

جدول ۶ توزیع فراوانی میزان احساس نابرابری جنسیتی در زنان روستایی استان گیلان

احساس نابرابری جنسیتی	فراوانی	درصد
زیاد	۹۲	۳۰/۷
متوسط	۲۰۲	۶۷/۳
کم	۶	۲
جمع	۳۰۰	۱۰۰

آزمون فرضیات

۱. بیش از نیمی از زنان روستایی استان گیلان احساس نابرابری جنسیتی می کنند

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

برای بررسی میزان احساس نابرابری جنسیتی در زنان از آزمون توزیع دوجمله‌ای استفاده شده است. نتیجه آزمون بیانگر معنادار بودن رابطه است. بنابراین، فرضیه اول محقق تأیید می‌شود که بیش از نیمی از زنان مورد مطالعه (روستایی استان گیلان)، یعنی ۹۴ درصد آنان احساس نابرابری جنسیتی در حد زیاد دارند و نیز در همه ابعاد نابرابری جنسیتی به جز نابرابری اقتصادی، احساس نابرابری زنان در حد زیاد مشاهده می‌شود.

جدول ۷ نابرابری جنسیتی در بیش از نیمی از زنان روستایی استان گیلان

نابرابری اقتصادی	نابرابری سیاسی	نابرابری فرهنگی	نابرابری حقوقی	نابرابری اجتماعی	نابرابری جنسیتی	ابعاد نابرابری جنسیتی
						احساس نابرابری جنسیتی
۰/۴۱	۰/۱۷	۰/۹۱	۰/۸۵	۰/۹۱	۰/۹۴	زیاد
۰/۵۹	۰/۸۳	۰/۰۹	۰/۱۵	۰/۰۹	۰/۰۶	کم
۰/۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معناداری

۲. سطح تحصیلات پاسخ‌گویان و احساس نابرابری جنسیتی

براساس نظریه نابرابری جنسیتی، زنان در مقایسه با مردان از جایگاه اجتماعی کمتری برخوردارند. این جایگاه اجتماعی می‌تواند طبقه، نژاد، شغل، دین و آموزش یا هر عامل مهم اجتماعی باشد. بنابراین، در این تحقیق احساس نابرابری جنسیتی در سطوح مختلف تحصیلی زنان سنجیده شده است. برای بررسی رابطه میزان تحصیلات پاسخ‌گویان و احساس نابرابری جنسیتی از آزمون χ^2 استفاده شده است. نتیجه آزمون با سطح معناداری ۰/۰۰۶، بیانگر وجود رابطه بین دو متغیر میزان تحصیلات و احساس نابرابری جنسیتی است. بنابراین، فرضیه محقق تأیید می‌شود؛ به این معنا که هر چه سطح تحصیلات زنان بالاتر باشد، بیشتر احساس نابرابری می‌کنند.

جدول ۸ بررسی رابطه میزان تحصیلات با احساس نابرابری جنسیتی

تحصیلات		بی سواد		زیر دیپلم		دیپلم		عالی		جمع	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ناپرابری جنسیتی		۱۹	۴۸/۳	۱۱۲	۶۹/۹	۵۴	۷۳	۲۲	۸۸	۲۰۷	۶۹/۲
زیاد		۲۰	۵۱/۳	۴۹	۳۰/۴	۲۰	۲۷	۳	۱۲	۹۲	۳۰/۸
متوسط و کم		۳۹	۱۰۰	۱۶۱	۱۰۰	۷۴	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	۲۹۹	۱۰۰
جمع											
$\chi^2 = ۱۲/۳$ $d.f = ۳$ $\text{sig} = ۰/۰۰۶$ (سطح معناداری) $\text{sig} = ۰/۰۱۷$ تاو کندال											

۳. فاصله روستا و احساس نابرابری جنسیتی

به بررسی رابطه بین فاصله روستاهای مورد مطالعه تا شهر و احساس نابرابری جنسیتی در زنان روستایی می‌پردازد. سطح معناداری حاصل از آزمون (۰/۰۱)، بیانگر وجود رابطه بین فاصله روستا تا شهر و احساس نابرابری جنسیتی در پاسخ‌گویان است. بنابراین، فرضیه محقق تأیید می‌شود؛ به این معنا که هر چه فاصله روستا از شهر بیشتر باشد، زنان بیشتر احساس نابرابری جنسیتی می‌کنند و در روستاهای نزدیک به شهر، احساس نابرابری کمتری مشاهده می‌شود. همچنین رابطه فاصله روستا با ابعاد احساس نابرابری جنسیتی بررسی شده که جدول شماره ده گویای نتایج آن است. آن گونه که در سطح معناداری ابعاد نابرابری مشاهده می‌شود، نابرابری در همه ابعاد وجود دارد. بنابراین، ابعاد نابرابری جنسیتی در روستاها با فاصله‌های متفاوت دیده می‌شود.

جدول ۹ بررسی رابطه فاصله روستا با احساس نابرابری جنسیتی

فاصله روستا		کمتر از ۱۵ کیلومتر		۱۵ تا ۳۰ کیلومتر		۳۱ تا ۵۰ کیلومتر		جمع	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زیاد		۲۶	۲۱/۵	۴۳	۳۶/۱	۲۳	۳۸/۳	۹۲	۳۰/۷
متوسط		۹۵	۷۸/۵	۷۶	۶۳/۹	۳۷	۶۱/۷	۲۰۸	۶۹/۳
جمع		۱۲۱	۱۰۰	۱۱۹	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۳۰۰	۱۰۰
$\chi^2 = ۸/۱$ (مقدار کای دو) $d.f = ۲$ (درجه آزادی) $\text{sig} = ۰/۰۱$ (سطح معناداری) $\text{sig} = ۰/۱۵$ (تأوکنندال)									

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... پورطاهری و همکار

جدول ۱۰ بررسی رابطه ابعاد نابرابری جنسیتی با فاصله روستا

فاصله روستا	مقدار آزمون	سطح معناداری	درجه آزادی	تاو کندال
نابرابری اجتماعی	۱۹/۸	۰/۰۰۱	۴	۰/۱۵
نابرابری سیاسی	۷/۸	۰/۰۹	۴	۰/۱۲
نابرابری فرهنگی	۱۴/۳	۰/۰۰۶	۴	۰/۰۹
نابرابری حقوقی	۳۶/۴	۰/۰۰۱	۴	۰/۲
نابرابری اقتصادی	۲۵/۴	۰/۰۰۱	۴	۰/۲

۴. میزان درآمد خانواده و احساس نابرابری جنسیتی

به بررسی رابطه میزان درآمد خانواده و احساس نابرابری جنسیتی در زنان روستایی استان گیلان می‌پردازد. برای بررسی این رابطه، از آزمون کای دو استفاده شده است. نتیجه آزمون با سطح معناداری ۰/۲، بیانگر نبود رابطه بین دو متغیر یادشده است؛ بنابراین، فرضیه محقق رد و فرضیه H_0 تأیید می‌شود. همچنین رابطه میزان درآمد خانواده و ابعاد نابرابری جنسیتی بررسی شده است. آن گونه که در جدول شماره دوازده مشاهده می‌شود، سطح معناداری آزمون کای دو در بعد نابرابری اجتماعی و اقتصادی معنادار است و در بقیه ابعاد نابرابری دیده نمی‌شود.

جدول ۱۱ بررسی رابطه میزان درآمد با احساس نابرابری جنسیتی

درآمد	کمتر از ۱۰۰ هزار تومان		۱۰۱ تا ۲۰۰ هزار تومان		۲۰۱ تا ۳۰۰ هزار تومان		بالاتر از ۳۰۰ هزار تومان		جمع
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
زیاد	۸	۴۰	۳۹	۳۶/۸	۳۱	۲۷/۷	۱۳	۲۳/۲	۹۱
کم و متوسط	۱۲	۶۰	۶۷	۶۳/۲	۸۱	۷۲/۳	۴۳	۷۶/۸	۲۰۳
جمع	۲۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۱۲	۱۰۰	۵۶	۱۰۰	۲۹۴
$d.f = 3$ (درجه آزادی) $\chi^2 = 4.5$ (مقدار کای دو) $sig = 0.2$ (سطح معناداری)									

جدول ۱۲ بررسی رابطه میزان درآمد خانواده با ابعاد نابرابری جنسیتی

درآمد ابعاد نابرابری	مقدار آزمون	سطح معناداری	درجه آزادی	تاوکندال
نابرابری اجتماعی	۶/۸	۰/۳	۶	۰/۰۷
نابرابری سیاسی	۳/۷	۰/۷	۶	-۰/۰۵
نابرابری فرهنگی	۲/۲	۰/۸	۶	۰/۰۴
نابرابری حقوقی	۱۸	۰/۰۰۶	۶	۰/۱
نابرابری اقتصادی	۲۳/۲	۰/۰۰۱	۶	۰/۲

۵. وضعیت تأهل پاسخ‌گویان و احساس نابرابری جنسیتی

برای بررسی رابطه وضعیت تأهل زنان روستایی استان گیلان و احساس نابرابری جنسیتی از آزمون χ^2 استفاده شده است. سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۷، و بیانگر وجود رابطه بین دو متغیر یادشده است. بنابراین، فرضیه محقق تأیید می‌شود؛ به این معنا که زنان متأهل روستاهای مورد مطالعه بیشتر از مجردها احساس نابرابری جنسیتی می‌کنند. همچنین در این آزمون به بررسی رابطه وضعیت تأهل و ابعاد نابرابری پرداخته شده است. با توجه به سطح معناداری آزمون وضعیت تأهل با بعد نابرابری اجتماعی با سطح معناداری ۰/۰۰۸ و نابرابری فرهنگی با سطح معناداری ۰/۰۲، رابطه معنادار است.

جدول ۱۳ بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی با وضعیت تأهل زنان روستایی

وضعیت تأهل نابرابری جنسیتی		مجرد		متأهل		جمع
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
زیاد		۱۸	۱۹/۸	۷۴	۳۵/۴	۹۲
کم و متوسط		۷۳	۸۰/۲	۱۳۵	۶۴	۲۰۸
جمع		۹	۱۰۰	۲۰۹	۱۰۰	۳۰۰
		$\chi^2 = ۷/۲$ (مقدار خی دو) sig = ۰/۰۰۷ d.f = ۱ کرامرز = ۰/۱۵				

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... پورطاهری و همکار

جدول ۱۴ بررسی رابطه وضعیت تأهل با ابعاد نابرابری جنسیتی

ابعاد نابرابری	مقدار آزمون	سطح معناداری	درجه آزادی	کرامرز
نابرابری اجتماعی	۹/۷	۰/۰۰۸	۲	۰/۱۸
نابرابری حقوقی	۲/۱	۰/۳	۲	۰/۰۸
نابرابری فرهنگی	۷/۶	۰/۰۲	۲	۰/۱۶
نابرابری سیاسی	۲/۳	۰/۳	۲	۰/۰۸
نابرابری اقتصادی	۴/۲	۰/۱	۲	۰/۱

۶. بررسی رابطه موقعیت روستا و احساس نابرابری جنسیتی

برای بررسی رابطه موقعیت روستا و احساس نابرابری جنسیتی از آزمون χ^2 استفاده شده است. نتیجه آزمون با سطح معناداری ۰/۰۰۱، بیانگر وجود رابطه بین دو متغیر یادشده است. بنابراین، فرضیه محقق تأیید می‌شود؛ به این معنا که در روستاهای کوهپایه‌ای احساس نابرابری جنسیتی بیشتر از مناطق دیگر است. موقعیت روستا با ابعاد نابرابری جنسیتی نیز بررسی شده است؛ آن گونه که مشاهده می‌شود موقعیت روستا در همه ابعاد نابرابری جنسیتی معنادار است.

جدول ۱۵ بررسی رابطه موقعیت استقرار روستا با احساس نابرابری جنسیتی

موقعیت روستا	جلگه‌ای		کوهپایه‌ای		کوهستانی		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زیاد	۸	۸	۴۶	۴۶/۵	۳۸	۳۷/۶	۹۲	۳۰/۷
متوسط و کم	۹۲	۹۲	۵۳	۵۳/۵	۶۳	۶۲/۴	۲۰۸	۶۹/۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۰	۳۰۰	۱۰۰
$\chi^2 = ۳۸/۰۸$ (مقدار خی دو) d.f = ۲ sig = ۰/۰۰۱ کرامرز = ۰/۳۵								

جدول ۱۶ بررسی رابطه موقعیت استقرار روستا با ابعاد نابرابری جنسیتی

ابعاد نابرابری	مقدار آزمون	سطح معناداری	درجه آزادی	کرامرز
نابرابری اجتماعی	۴۸/۷	۰/۰۰۱	۴	۰/۲
نابرابری حقوقی	۲۱/۷	۰/۰۰۱	۴	۰/۱
نابرابری فرهنگی	۶۱/۴	۰/۰۰۱	۴	۰/۳
نابرابری سیاسی	۱۲/۵	۰/۰۱	۴	۰/۱
نابرابری اقتصادی	۵۰/۹	۰/۰۰۱	۴	۰/۲

نتیجه گیری

در بیشتر جوامع، مردان مسئول تولید و زنان مسئول توالد دانسته می شوند؛ درحالی که هر دوی این مسئولیت ها از ملزومات زندگی است. معمولاً تولید شغلی درآمدزا و در نتیجه ارزشمند پنداشته می شود و توالد، مشغولیت و تا حدودی تفننی است که به دلیل درآمدزایی از اعتبار و اهمیت چندانی برخوردار نیست. این تفاوت، زمینه ساز نوعی سلسله مراتب ارزش گذاری جنسیتی است و فعالیت زنان را با وجود دشواری های آن، در فرایند توسعه مؤثر و دخیل نمی داند. ارتباط متفاوت دو جنس (زنان و مردان) با منابع توسعه از حیث دسترسی و کنترل، زمینه ساز و تقویت کننده تفاوت جنسیتی است. زنان معمولاً به منابع دسترسی دارند؛ اما بر آن کنترلی ندارند. مردان نسبتاً به این منابع هم دسترسی و هم کنترل دارند و تا حدودی ممکن است زمینه دسترسی را برای زنان فراهم کنند. این در حالی است که داشتن کنترل اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا می توان حق دسترسی را به جنس دیگری محول یا از او سلب کرد؛ چرا که در بیشتر جوامع نقش به رسمیت شناخته شده و جاقفاده مرد به عنوان نان آور خانواده، تأثیر مهمی در تنظیم و کنترل روابط میان دو جنس دارد. این در حالی است که براساس برآوردی کلی، نزدیک به یک سوم خانوارها در جهان عملاً با سرپرستی زنان اداره می شود.

تقسیم فضای کار بین دنیای مردان در بیرون و دنیای زنان در درون، القاکننده این است که مردان و زنان در دو حوزه مجزاً کارهای متفاوتی انجام می دهند؛ درحالی که زنان مجبورند هم زمان بین دو نقش مختص و مشترک، درون خانه (توالد) و بیرون خانه (تولید) توازن ایجاد کنند. اما به دلیل اینکه

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

فقط کار تولیدی درآمدزاست، تنها این نوع فعالیت به عنوان کار شناخته می شود. بیشتر کارهای انجام شده، شاید هم تمام کارهای انجام شده، در طول زمان مشهود نیست و به عنوان کار شناخته نمی شود. شاید به این دلیل است که به زنان کارگران پنهان گفته می شود.

در این پژوهش که با هدف کلی بررسی علل احساس نابرابری جنسیتی در زنان روستاهای استان گیلان صورت گرفت، عواملی چون دوری یا نزدیکی روستا به شهر، موقعیت روستا، سطح درآمد خانواده، میزان تحصیلات زنان و نیز ابعاد نابرابری که شامل نابرابری حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و نابرابری اجتماعی است، مورد بررسی و سنجش قرار گرفت. روش مطالعه اسنادی و روش پیمایشی، اصلی ترین روش های تحقیق در این مطالعه است. جامعه نمونه تحقیق نیز شامل تمام زنان روستاهای استان گیلان است که به صورت تصادفی - طبقه ای سیصد نفر از آنان به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. با توجه به اینکه نوع استقرار روستا نیز مورد نظر پژوهشگر بود، در بین روستاهای جلگه ای، کوهپایه ای و کوهستانی استان گیلان، تعدادی روستاها برای نمونه مطالعه انتخاب شدند. با توجه به ویژگی موضوع مطالعه و جامعه نمونه، ابزار و روش جمع آوری اطلاعات، پرسش نامه است.

در این تحقیق سعی شد بعضی عوامل مؤثر بر احساس نابرابری جنسیتی زنان سنجیده شود؛ بنابراین از فرضیات زیر استفاده شد:

۱. بیش از نیمی از زنان روستایی استان گیلان از احساس نابرابری جنسیتی برخوردارند.
۲. بین سطح تحصیلات زنان و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معنادار وجود دارد.
۳. بین دوری و نزدیکی محل زندگی به شهر و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معنادار وجود دارد.
۴. بین سطح درآمد خانواده ها و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معنادار وجود دارد.
۵. بین وضعیت تأهل پاسخ گویان و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معنادار وجود دارد.
۶. بین موقعیت استقرار روستا (جلگه ای، کوهپایه ای و کوهستانی) و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معنادار وجود دارد.

اگر از مباحث مربوط به عملیات میدانی، جمع‌آوری اطلاعات و پردازش داده‌ها صرف‌نظر کنیم و به‌اختصار به تحلیل نتایج مطالعه میدانی بسنده کنیم، در یک جمع‌بندی کلی می‌توانیم به یافته‌های این تحقیق به‌ویژه در ارتباط با اهداف و فرضیات اشاره کنیم که در دو قسمت دستاوردهای توصیفی و تبیینی آورده شده است.

دستاوردهای تبیینی

در این بخش به بررسی رابطه متغیرهای مختلف پژوهش پرداخته شده است. نتایج این بررسی‌ها به شرح زیر است:

۱. در باب فرضیه اول که بیش از نیمی از زنان روستایی احساس نابرابری جنسیتی می‌کنند، فرضیه محقق با سطح معناداری $0/001$ تأیید شده است. گفتنی است $0/94$ درصد زنان احساس نابرابری جنسیتی زیاد و $0/06$ درصد احساس نابرابری جنسیتی کمی داشتند؛ $0/09$ درصد زنان احساس نابرابری اجتماعی زیاد و $0/91$ درصد احساس نابرابری اجتماعی کمی داشتند؛ $0/85$ درصد زنان احساس نابرابری حقوقی زیاد و $0/15$ درصد احساس نابرابری کمی داشتند؛ $0/91$ درصد زنان احساس نابرابری فرهنگی زیاد، $0/17$ درصد احساس نابرابری سیاسی زیاد و $0/41$ درصد احساس نابرابری اقتصادی زیاد داشتند.

۲. فرضیه دوم به بررسی رابطه میزان تحصیلات زنان و احساس نابرابری جنسیتی پرداخته است. نتیجه آزمون کای‌دو با سطح معناداری $0/006$ بیانگر وجود رابطه بین دو متغیر یادشده است. بنابراین، فرضیه محقق تأیید می‌شود که بین تحصیلات زنان و میزان احساس نابرابری جنسیتی رابطه وجود دارد؛ به این معنا که با بالا رفتن میزان تحصیلات احساس نابرابری نیز بیشتر می‌شود. در این باره ابعاد نابرابری جنسیتی با میزان تحصیلات پاسخ‌گویان نیز سنجیده شده است.

۳. فرضیه سوم درباره رابطه احساس نابرابری جنسیتی با فاصله روستا تا شهر است. جهت بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی با فاصله روستا تا شهر از آزمون χ^2 استفاده شده است. نتیجه آزمون با سطح معناداری $0/01$ بیانگر وجود رابطه بین دو متغیر یادشده است.

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

بنابراین، فرضیه محقق تأیید می شود که هر چه فاصله روستا تا شهر بیشتر باشد، احساس نابرابری جنسیتی نیز بیشتر می شود. همچنین رابطه فاصله روستا با ابعاد نابرابری بیانگر وجود رابطه بین این دو متغیر است.

۴. فرضیه چهارم به بررسی رابطه درآمد خانواده پاسخ گویان با احساس نابرابری جنسیتی پرداخته است. با توجه به نوع متغیرها، از آزمون χ^2 استفاده شده است. نتیجه آزمون با سطح معناداری ۰/۲ درصد بیانگر نبود رابطه بین دو متغیر یادشده است. بنابراین، فرضیه محقق رد می شود. بررسی رابطه میزان درآمد با ابعاد نابرابری جنسیتی نشان می دهد نابرابری اجتماعی با سطح معناداری ۰/۰۰۶ با میزان درآمد خانواده ها رابطه دارد.

۵. فرضیه پنجم رابطه میان وضعیت تأهل و نابرابری جنسیتی را می کاود. نتیجه آزمون کای دو با سطح معناداری ۰/۰۰۷ درصد بیانگر وجود رابطه بین این دو متغیر است. بنابراین، فرضیه محقق تأیید می شود و با توجه به میانگین ها می توان گفت متأهل ها بیشتر از مجردها احساس نابرابری جنسیتی می کنند.

۶. فرضیه ششم این تحقیق به بررسی رابطه موقعیت استقرار روستا و نابرابری جنسیتی پرداخته است. نتیجه آزمون با سطح معناداری ۰/۰۰۱ درصد بیانگر وجود رابطه بین نوع استقرار روستا از لحاظ جلگه ای، کوهپایه ای و کوهستانی است. بنابراین، فرضیه محقق تأیید می شود؛ به این معنا که در روستاهای کوهپایه ای، زنان بیشتر احساس نابرابری جنسیتی می کنند. همچنین موقعیت استقرار روستا با ابعاد نابرابری جنسیتی نیز سنجیده شده که رابطه آن معنادار است.

پیشنهادهای

امروزه، بر کسی پوشیده نیست که توسعه منابع انسانی یکی از لوازم اساسی و انکارناپذیر توسعه همه جانبه است. یکی از قشرهایی که از نظر علمی و اجتماعی مهم قلمداد می شوند، گروه عظیم زنان روستایی اند. بنابراین، از بعد مسائل اجتماعی و از نظر حقوق انسانی جایگاه ویژه ای در اجتماع دارند و محروم کردن آنها از این حق مسلم، در عین مغایرت با معیارهای

انسانی و اخلاقی، از نظر علمی و اجتماعی نیز خسارت جبران‌ناپذیری به رشد و توسعه منابع انسانی جامعه وارد می‌کنند.

از دیرباز، این موضوع در جوامع گوناگون از جمله ایران به عنوان مسئله‌ای اجتماعی مطرح بوده است که زن و به طریق اولی زن روستایی از بسیاری حقوق مسلم انسانی خود محروم بوده است. زنان روستایی که موقعیتی حاشیه‌ای داشتند، هرگز در متن مباحث توسعه نبوده و به عنوان محوری در رأس مسائل توسعه یا هدف توسعه مورد توجه نبوده‌اند (شهبازی، ۱۳۷۲: ۱۲).

اعداد و ارقامی که درباره فعالیت‌های زنان ارائه می‌شود، بسیار پایین‌تر از حد واقعی است؛ زیرا این آمار اغلب، بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی، اشتغال فصلی، پاره‌وقت، بدون دستمزد و فعالیت‌های خانه‌داری را شامل نمی‌شود. این زنان را می‌توان در عین حال مروج کشاورزی، کارشناس تولید و حتی در پاره‌ای موارد سیاست‌گذار نیز برشمرد. جدای از فعالیت‌های زنان در کشاورزی، مشارکت آنان در توسعه روستایی امری بسیار حیاتی در تأمین مواد غذایی کافی و مورد نیاز به شمار می‌آید. فعالیت‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی زنان شواهدی دال بر الزامی بودن وجود زنان در توسعه روستایی است. متأسفانه، شناخت این واقعیت که مشارکت زنان الزامی و گریزناپذیر است، همیشه به این منجر نمی‌شود که به آنان به عنوان بهره‌برداران از طرح‌ها توجه شود؛ به گونه‌ای که دست‌یابی به منابع مولدی همچون زمین، اعتبارات، فناوری مناسب و آموزش همواره به گونه‌ای بوده که مانع شده است زنان بتوانند از تمام توان خود به نحو احسن بهره گیرند.

زنان به عنوان نیروی اصلی در ایجاد تحول می‌توانند منبعی در پیشبرد توسعه روستایی باشند. آگاهی روزافزون از نقش زنان در جامعه روستایی و لزوم مشارکت گسترده‌تر آنان در روند توسعه اجتماعی و اقتصادی سبب شده است در سمت‌های جدید ملی، محلی و روستایی از فعالیت‌های آنان حمایت شود. این حمایت تا آنجاست که بسیاری از کشورها با تأسیس نهادها و سازمان‌هایی - که خود را به تلاش در جهت پیشرفت زنان متعهد می‌دانند - در صدد از بین بردن موانع قانونی مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و منافع اقتصادی هستند. با در

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

نظر گرفتن شرایط اجتماعی و خانوادگی زنان در جامعه، می‌توان برای آنان موقعیتی فراهم کرد تا زنان روستایی نیز در کسب درآمد و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی فعالیت داشته باشند.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر و بررسی دیدگاه‌های نظری مختلف در زمینه لزوم توجه به اهمیت جایگاه زنان در روند توسعه و نوسازی فرهنگی و اجتماعی و همچنین توجه بیشتر به جایگاه زنان روستایی در مقام بخش تولیدگر جامعه، پژوهشگر پیشنهادهایی را به‌منظور بهبود وضعیت زنان و کاهش احساس نابرابری‌های جنسیتی در آنان ارائه می‌دهد:

۱. بالا بردن سطح سواد زنان روستایی و در نتیجه استفاده از نیروهای فعال زنان روستایی پیشرو مانند معلمان، بهروزان، مربیان نهضت سوادآموزی و... با توجه به نفوذ و محبوبیتی که این گروه در میان مردم روستا دارند.

۲. ارتقای آگاهی‌های اجتماعی روستاییان که در نتیجه آن کار زنان در خارج از منزل مهم و باارزش جلوه می‌کند.

۳. ارتقای نقش زنان در فرایند تصمیم‌گیری از طریق تشکیل گروه‌هایی که به‌طور انحصاری متشکل از زنان و یا زنان و مردان است و می‌توانند اهمیت نقش زنان روستایی را در سطح محلی از طریق بیان حق خود و دفاع از آن برای مشارکت در تصمیم‌های مربوط به خانواده و روستا برجسته کنند.

۴. کاهش تعداد فرزندان، فراغت و فرصت بیشتری برای زنان به‌وجود می‌آورد تا به امور دیگر از جمله مشارکت اجتماعی، سیاسی و غیره بپردازند.

۵. در صورت امکان، تغییر در بعضی قوانین و مقررات کنونی جامعه که در آن حق زنان نادیده گرفته شده است.

۶. ایجاد امکانات آموزشی و منابع درسی جهت افزایش آگاهی‌های حقوقی به زنان و مردان در مدارس شهر و روستا به‌منظور بالا بردن آگاهی حقوق‌آحاد جامعه.

۷. ایجاد آگاهی‌های لازم از طریق شوراهای روستا در جهت پدید آوردن بسترهای مناسب برای مشارکت فعال زنان روستایی در شوراهای روستا.

۸. فرهنگ‌سازی جامعه از طریق رسانه‌های جمعی در این‌باره که زنان هم‌سطح مردان‌اند و هر دو ارزش مساوی دارند.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۶۶). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- آل آقا، فریده. [بی‌تا]. *بررسی تحلیل وضع موجود در فرهنگ عمومی بزرگسالان*. مرکز پژوهش‌های بنیادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ارسطو. (۱۳۷۱). *سیاست*. ترجمه حمید عنایت. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۱). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: کیهان.
- ادله، مازیار. (۱۳۷۴). *مبارزه جهانی برای حقوق زن*. ترجمه مهدی صفوی. تهران: توسعه.
- الیوت، جیمز. (۱۳۷۸). *مقدمه‌ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه*. ترجمه عبدالرضا افتخاری و حسین رحیمی. تهران: مؤسسه توسعه روستایی.
- اونیل، مائوریل. (۱۳۷۴). *نقش زنان در توسعه، نظریه پردازی اجتماعی کتاب توسعه*. ترجمه آ. زاهدی. تهران: توسعه.
- باستانی، سوسن. (۱۳۸۳). «توسعه، برابری و جنسیت؛ جایگاه ایران در بین کشورهای جهان». *فصلنامه مطالعات زنان*. س ۲، ش ۴.
- باقریان، محمد. (۱۳۸۳). «مدیریت توسعه زنان در ایران». *فصلنامه فرهنگی و پژوهشی*. مرکز امور مشارکت زنان. ریحانه. ش ۷.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۱). «میزگرد برابری و نابرابری». *نامه فرهنگ*. ش ۳، س ۲.
- پاکبین، نیکی. (۱۳۸۰). «مشارکت زنان روستایی در توسعه». *نشریه بزرگ‌ر*. ش نمایه ۱۱۸. بازیابی ۷۹۳.
- ترنر، ج. اچ. (۱۳۷۳). *ساخت نظریه جامعه‌شناسی*. ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده. شیراز: نوید شیراز.
- توسلی، غلامعلی. (۱۳۶۹). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سمت.

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

- جزایری، ادريس. (۱۳۷۶). *نقش زنان روستایی در توسعه*. ترجمه ناهید ساریخانی. تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- حسن‌زاده، علیرضا. [بی‌تا]. «آداب نمادین شالیکاری نگاهی بر پایه انسان‌شناسی فمینیستی؛ هستی‌آیینی زن در چند یک از رسم‌های محلی گیلان». *نشریه نمایه پژوهش*. ش ۱۹.
- دهنوی، جلیل و سعید معیدفر. (۱۳۸۴). «بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی و انگیزه تحرک اجتماعی در دختران دانشجو». *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات زنان*. دانشگاه الزهرا. پژوهشکده زنان. س ۳. ش ۷.
- دهقان، فریبرز. (۱۳۸۳). *شناسایی توانمندی‌های روستایی در جهت ارائه راهبردهای توسعه روستایی*. تحقیقات کاربردی استان گیلان ۲۵. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان. ش ۳۶۱.
- رجب‌زاده، احمد. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی (۱)*. تهران: کتب درسی.
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۲). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۸۲). *توسعه و نابرابری*. تهران: مازیار.
- سازمان فائو. (۱۳۷۱). «نقش زنان در توسعه کشاورزی». ترجمه غلامحسین صالح‌نسب. *مجله جهاد*. شماره ۱۵۳.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (۱۳۸۰). *سالنامه آماری استان گیلان*.
- سیف‌اللهی، سیفا... (۱۳۷۴). *اقتصاد سیاسی ایران*. تهران: انتشارات پژوهشکده برنامه‌ریزی ایران.
- شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۸۱). *توسعه و چالش‌های زنان ایرانی*. تهران: قطره.
- شکوری، علی. (۱۳۸۱). «پژوهشی در توسعه و نابرابری در مناطق روستایی». *پژوهش‌های جغرافیایی*. ش ۴۱.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صالحین، شهرزاد. (۱۳۸۲). «نحوه صرف وقت زنان روستایی». *فصلنامه پژوهش زنان*. دوره ۱. ش ۳. ش ۷.
- عینالی، جمشید و مهدی طاهرخانی. (۱۳۸۴). «ارزیابی عملکرد مجتمع‌های خدمات بهزیستی ...». *فصلنامه مدرس علوم انسانی*. دوره ۹. ش ۴.

دانشنامه علوم اجتماعی _____ دوره ۱، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۸

- *فصلنامه فرهنگی و پژوهشی مشارکت زنان، ریحانه*. (۱۳۸۲). ش ۵. تهران: دفتر مشارکت امور زنان.

- کتابی، محمود و دیگران. (۱۳۸۲). «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه». *پژوهش زنان*. دوره ۱، ش ۷.

- معاونت امور اجتماعی و توسعه مشارکت‌ها. (۱۳۷۸). *گزارش ملی سازمان‌های غیردولتی زنان ایران*. تهران: مرکز امور مشارکت زنان.

- مجموعه گزارش‌های همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران. (۱۳۸۱). هم‌اندیشی پژوهشگران و نظریه‌پردازان کشور.

- میرسنده‌سی، سیدمحمد. (۱۳۷۵). *عوامل مؤثر بر درک مردم از عدالت و رابطه آن با نابرابری، مطالعه موردی شهر مشهد*.

- معیدفر، سعید. (۱۳۸۳). «تمایز جنسی روستاییان در کار، فراغت، فعالیت و مصرف کالای فرهنگی». *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۵، ش ۲.

- موسوی، معصومه. (۱۳۷۴). *تاریخچه تکوین نظریه‌های فمینیستی*. تهران: توسعه.

- نصیری، حسین. (۱۳۷۹). *توسعه پایدار چشم‌انداز جهان سوم*. تهران: فرهنگ و اندیشه.

- هام، گلی و سارا گمبل. (۱۳۸۲). *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*. ترجمه فیروزه مهاجر و دیگران. تهران: توسعه.

- یونسف. (۱۳۷۱). *دختر بچه‌ها سرمایه‌گذاری برای آینده*. ترجمه نیلوفر پورزرنند. تهران: فرهنگ اسلامی.

- Bacchus, Nazreen. (2005a). the Effects of Globazation on Women in Developing Nations. Available at <http://digitalcommons.Pace.edu/honrscollge-theses/2>.

- _____ (2005b). the Effects of Globazation on Women in Developing Nations. Available at <http://digitalcommons.Pace.edu/honrscollge-theses/2>.

- Chodorow, Nancy. J. (1994). *Femininities, Masculinties Sexualities, Freud and Beyond*. University Press of Kentucky.

سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان ... بورطاهری و همکار

- Manger, Veronica. (2003). "Empowerment Approaches Gender Based Violence: Women's Counts in Delhi slums Women's Studies International Forum". V. 1.
- Myers, A. Kristen , C.D.Anderson & B. J. Risman. (1998). *Feminist Foundation: Toward Transforming Sociology*. Sage Publication.
- Oxaul, Zoe Sally. (1997). *Gender and Empowerment: Definitions, Approaches and Implication for Policy*.
- Sears, D. & etal. (1991). *Social Psychology*. Prentice-Hall Int.
- Turner, j. (1998). *the Structure of Sociological Theory*. New York: wadsworth Publishing Company.

جایگاه و پایگاه زن در مباحث توسعه <www.sociology of Iran>

file:///A:\Akhbare-rooz (Iranian political Bulletin)